خیمه

اسمش را رقیه کذاشت!

فاطمه حسینی




بسم الله الرحمن الرحیم

خیمه/اسمش را رقیه گذاشت!

نویسنده:

فاطمه حسنی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خیمه/اسمش را رقیه گذاشت!

مشخصات کتاب

پدید آورنده : فاطمه حسنی

ناشر : مجله حوزه

مقدمه

خاطرات ملکه قربان زاده همسر جانباز شهید سردار محمدعلی روغنیانبا

چکیده

شروع انقلاب فعالیت انقلابی من هم شروع شد. جلسه می گذاشتیم، تظاهرات می رفتیم و بعضی اوقات لاستیک جمع می کردیم و آتش می زدیم. چندتا همسایه داشتیم که با هم فعالیت می کردیم و گروه خوبی را تشکیل دادیم.بعد از انقلاب که جنگ شروع شد، فعالیتم هم بیشتر شد. یک روز ایام موشک باران دزفول بود که موشکی کنار منزل پدری ام خورد. رفتم بیرون دیدم که یکی از همسایه ها که با هم بودیم سرش از تنش جدا شده، چادرم را انداختم رویش و کمک کردم که جنازه با آمبولانس منتقل شود.باز یک موشک به پل قدیم دزفول اصابت کرد. خواهرم هم در آنجا مجروح شده بود. زانوی پایش تا مچ پا شکافته شده بود، بغلش کردم گذاشتم داخل آمبولانس و منتقلش کردم بیمارستان. زخم خواهرم سطحی بود. داخل بیمارستان بستری اش کردم و رفتم سراغ بقیهٔ مجروحان.آن روز تعداد شهدا خیلی زیاد بود، برای شستن خواهرهای شهید آستین را بالا زدم و با همکاری چندتا از خواهران شروع کردیم به شستن پیکر شهدا، واقعاً روز سختی بود. مریض شدم. فشارخون و سرگیجه گرفتم که دکترها گفتند به خاطر خستگی و فشار عصبی است.در مصلای دزفول فعالیت خواهران زیاد بود، آشپزخانهٔ فعالی داشتیم. کیسه کیسه آرد می آورند، کلوچه می پختیم، غذا درست می کردیم و بسته بندی می کردیم، رزمنده ها از سراسر کشور می آمدند، پذیرایی می شدند و می رفتند. دیگ ما همیشه روی گاز بود. کار ما از صبح تا آخر شب ادامه داشت. زمستان و تابستان برای مان فرقی نداشت. مرتب برای جبهه کار می کردیم.دایی همسرم به آیت الله قاضی گفته بود که می خواهیم برای محمدعلی، همسری مذهبی، مؤمن و خانواده دار پیدا کنیم که با جانبازی او هم کنار بیاد. که آیت الله قاضی خانوادهٔ ما را معرفی کرد. خواستگاری که آمدند، پدرم به من گفت: می دانی که محمدعلی، جانباز است و یک پا ندارد، در انتخابت دقت کن که در زندگی آینده دچار مشکل نشوی. در جواب به پدر گفتم: افتخار می کنم که با جانباز زندگی کنم.بله برون و سفرهٔ عقد را با هم گرفتیم، مهریه ام یک جلد کلام الله مجید و یک زیارت مکه بود. ازدواج ساده ای داشتیم. بچه های سپاه و اهالی محل را دعوت کردیم و شامی دادیم و این شروع زندگی مشترک مان بود.هر وقت که مرخصی می آمد، روز سوم بهش می گفتم نمی خواهی بری؟ تا کی می خواهی مرخصی بمانی؟ هم سنگرهاش بهش می گفتند، تو تازه ازدواج کردی، چطور دلت می آد زنت را تنها بگذاری؟ ماه رمضان بود، باردار بودم، داشتم سبزی پاک می کردم. دایی همسرم آمد گفت: دایی روزه هستی؟ گفتم: بله. چیزی نگفت و رفت. به مادر شوهرم گفتم: زن عمو، چرا دایی آمد و رفت؟ ده دقیقه بعد دایی برگشت. گفت: دایی، خانه را مرتب و تمیز کن مهمان داریم. گفتم: قرار است محمدعلی بیاید. گفت: تو فکرش نباش، میاد، خانه را مرتب کن و سبزی را جمع کن.نماز مغرب و عشا را خواندیم، مادر محمدعلی رفت بیرون از خانه، صدای شیونش بلند شد. دویدم دنبالش ببینم چی شده؟ دوستان و همسایه ها دورش را گرفته بودند.

مثل اینکه همه می دانستند و فقط ما نمی دانستیم. گفتم: چه خبر شده؟ گفتند: خدا صبرت بده. هر کسی می آمد طوری ابراز دلسوزی می کرد و برخوردش طوری بود که انگار من بدبخت شدم. می گفتند: شما شش ماه است که ازدواج کردید... من از این برخوردها ناراحت شدم و گفتم مگر همسر من از علی اکبر امام حسین(ع) عزیزتر بوده؟ وقتی شهید شد، پیکرش را آوردند دزفول، وقتی که قرار شد شهید را غسل دهند، گفتم همه بروید، می خواهم همسرم را خودم بشویم. باردار بودم. دایی همسرم گفت: نه، همسرت را ببین و برو. هر چه اصرار کردم نگذاشتند که محمدعلی را بشویم، یک شیشه عطر و یک شیشه گلاب روی پیکر مطهر شهید ریختم و با همسرم وداع کردم.زمانی که رقیه به دنیا نیامده بود، یک شب بعد از شهادتش آمد به خوابم، گفت: مبارکه. گفتم: چی مبارکه؟ گفت: دخترمون رقیه. خودش اسم برایش انتخاب کرد.خیلی بهانه می گرفت، می گفت بابام کجاست؟ کی میاد؟شش سالش بود، کنار گلزار شهدای شهیدآباد بازی می کرد. گفتم: رقیه، بیا بنشین می خواهم با تو حرف بزنم، دیگر خواستم حقیقتش را به او بگویم. گفتم: رقیه جان این قبر پدرت است. گفت: بابام اینجاست؟ گفتم: بله دخترم، پدرت شهید شده و این هم قبرش. دوید رفت. گفتم: کجا؟ گفت: به دوستام بگم منم بابام شهید شده، منم فرزند شهیدم.آن موقع مهد کودک می رفت، یک روز خوشحال آمد و گفت: ماما‌ن، تمامی دوستانم می دانند که بابای من هم شهید شده.بعد از این جریان دیگر بهانه نمی گرفت.هر وقت شب برایش قصه می گفتم، قصهٔ امام حسین(ع) را می گفتم، قصهٔ رزمنده ها و پدرش را می گفتم.هر وقت احساس می کنم که ناراحت هستم و یا نبودش را در زندگی حس می کنم، صلواتی می فرستم و وضو می گیرم، نماز می خوانم و یا در مجلس روضه شرکت می کنم. یک روز کنار مزارش نشسته بودم که دیدم آقایی قبرهای گلزار شهدا را یک به یک می رود و فاتحه می خواند، به من که رسید گفت: ببخشید قبر «شهید روغنیان» کجاست؟ گفتم: همین جاست. فاتحه ای خواند و گفت: خیلی خوش برخورد بود، یک روز ماشین یکی از بچه ها خیلی کثیف بود. گرفت و ماشین را حسابی تمیز کرد، حتی داخل ماشین را هم جارو کرد. هر چی می گفتیم: شما فرمانده هستید، این کارها را نکنید، گفت: من خاک پای شما هستم فرمانده یعنی چی؟از اول انقلاب بسیجی بودم و الان هم هستم و هر کجا که نیاز باشد و ببینم انقلاب و ولایت فقیه در خطر است، در صحنه هستم. تا وقتی که نفس دارم در خدمت نظام هستم و اگر همسرم هم زنده بود تا آخرین قطره خونش مقابل متجاوزان می ایستاد.باید ندای رهبر را لبیک گفت، فرقی نمی کند میدان جنگ چه زمانی و کجا باشد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹۵۳

۵۳-۶۰۹۰به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».